

# تکرار مطالبات فرهنگیان در دیدار اختصاصی عضو شورای مرکزی سازمان معلمان ایران با وزیر آموزش و پرورش

روایت محمود صفدری عضو شورای مرکزی سازمان معلمان ایران از چگونگی اطلاع از سفر وزیر به خراسان شمالی اینگونه آغاز می شود که : ۹ خرداد حوالی ساعت ۱۴ با پیامی از طرف دوستی، مطلع شدم که وزیر محترم آموزش و پرورش در استان ما (خراسان شمالی) است. با تنی چند از دوستان نزدیک تماس گرفته تا از صحت خبر مطمئن شوم. پس از اطمینان از صحت خبر متوجه شدم که ساعت ۱۵ دیداری با فرهنگیان استان دارند. از دوستی که کارت دعوت داشت اما خودش امکان حضور در جلسه را از دست داده بود، کارت دعوتش را گرفتم و به محل اعلام شده مراجعه کردم.



## جلوگیری از ورود به جلسه

محمود صفدری که چهره شناخته شده ای نه تنها در استان بلکه در کشور است انتظار داشته است که برای این جلسه رسماً دعوت میشده است لذا با احساس حق به محل جلسه می رود او سپس در بخش دیگری از روایت خود می نویسد: در ورودی کوچه، نیروهای پلیس امنیت کارت دعوت را از من خواستند. ارائه داده و عبور کردم اما در ورودی سالن اجتماعات که مدیریت آن را حراست و روابط عمومی آموزش و پرورش بجنورد برعهده داشتند با پاسخ منفی مواجه شدم و از ورودم ممانعت جدی بعمل آمد.

## اصرار به حضور در جلسه

رو حیه صفدری به گونه ای است که در اینگونه مواقع کوتاه نمی آید لذا او می گوید: معترض شدم که در چنین جلسه و چنین سفر مهمی که احتمالا تا مدتها بازتاب دهنده بازخورد سفر در ذهن و برنامه های تصمیم سازان و تصمیم گیران مرکز نشین و ویتروینی از وضع استان خواهد بود، اگر اهمیت حضور کنشگران صنفی و اعضای تشکل های صنفی و سیاسی فرهنگی بیش از دیگر معلمان و به ویژه کادر اداری نباشد، کمتر نیست و اصرار کردم بنده بعنوان منتخب فرهنگیان خراسان شمالی در انتخابات شورای عالی آموزش و پرورش، باید در جلسه حضور داشته باشم و پیرو جلسه ویدئو کنفرانسی مورخه ۱۴۰۰/۱۰/۴ که با وزیرمخترم داشته ام مطالبات مطرح شده و وعده های داده شده وزیر آموزش و پرورش را پیگیری و منتشر کنم.

## برخورد دور از شان معاون مدیرکل استان

عضو منتخب شورای عالی آموزش و پرورش پشت درهای بسته به معاون اداره کل ارجاع داده می شود که او این بخش را اینگونه توصیف می کند: انتظامات وقتی جدیت تصمیم مرا بیش از آن دید که با یک امر و نهی ساده منصرف شوم، مرا به معاون آموزش متوسطه استان که به تازگی منصوب شده است، ارجاع داد و گفت تمامی مسئولیت سالن اجتماعات و مدعوین و سخنرانان با ایشان است.

ایشان را از سالهای قبل و از دور می شناختم اما رفتار و گفتار ایشان در قامت معاون متوسطه آموزش و پرورش یک استان با قریب ۲۰هزار معلم رسمی و پیمانی و حق التدریسی آنقدر زشت و زننده و برایم شوکه کننده بود که از معلم بودنم ذیل ریاست و زعامت چنین انسان هایی احساس شرم و پشیمانی کردم که فعلا مقال و مجال وصف آن نیست ولی اگر ضرورت یافت در فرصتی دیگر با جزئیات بیشتر به آن خواهم پرداخت.

## ناامیدی از آموزش و پرورش و توسل به نیروهای امنیتی

مسئول سازمان معلمان ایران که بارها توسط نیروهای امنیتی و قضائی احضار شده بود در این شرایط فرصت را برای نشان دادن شرایط و اثبات مباحث مطرح شده خود مناسب دیده با نیروهای امنیتی تماس می گیرد که این بخش ماجرا را اینگونه روایت می کند: القصه؛ از لابی سالن اخراج شدم و به سر کوچه، محل استقرار یگان حفاظت پلیس امنیت برگشتم و از آنجا که مسئول کل سالن! توپ را به زمین آموزش و

پرورش شهرستان بجنورد و نیروهای حراستی-امنیتی که به ادعای ایشان تایید کننده لیست مدعوین بودند، انداخته بود، به رییس شهرستان زنگ زدیم که پاسخ ندادند. متعاقب این عدم پاسخگویی برای تظلم خواهی و احقاق حق و استفاده از این فرصت تاریخی، با ۱۱۳ تماس گرفتم و اعتراض خودم را به آنان اعلام کردم و با اشاره به تماس های تلفنی و جلسات دعوت و احضارهای آنان و گفتگوهای رد و بدل شده در جلسات دعوت که غالباً توصیه می کنند "مطالبات خود را به جای آنکه در کف خیابان ولو با سکوت پیگیری کنید در جلسات با مسئولان مربوطه از قبیل مدیران کل تا وزیر آموزش و پرورش و مقامات محلی از قبیل فرماندار و استاندار تا نمایندگان مجلس، طی جلسات مربوط، فریاد بزنید" از آنان خواستم تا مداخله کرده و نگذارند این فرصت بخاطر حب و بغض های غیرضرور و سیاسی بازی های کودکانه که بلای جان آموزش و پرورش است، از دست برود!

### اصرار نتیجه بخش شد و دیدار انجام گرفت

صفدری ادامه ماجرای را اینگونه روایت می کند که: خوشبختانه جدیت و اصرار من و اهمیت این سفر را درک کرده و با مداخله مدبرانه، زمینه این دیدار را نه در "جلسه عمومی" که قاعدتاً باید محل طرح پرسش ها و مطالبات می بود، بلکه در "جلسه محدود" آن هم در خودروی ون حامل وزیر و همراهان فراهم کردند. چاره ای نبود؛ در قطع و قحط آب به تیمم رضایت دادم و پذیرفتم. (البته باز هم در اینجا، برای جلوگیری از تطویل کلام ناچاراً از این فرایند حدود ۲-۳ ساعته تا تحقق وعده دیدار می گذرم. به قول شاعر:

شرح این هجران و این خون جگر  
این زمان بگذار تا وقت دگر)

باری؛ پس از مدتها انتظار در کوچه، با پایان یافتن سخنرانی وزیر و برخی حضار جلسه که از قبل برای سخن راندن!! انتخاب و توجیه شده بودند، ایشان در رأس هیئتی از مشایعت کنندگان از سالن خارج شده و وارد خودروی ون تشریفات شدند.

پس از آن مدیر کل آموزش و پرورش استان مرا را که مدتها بود در کناری منتظر ایستاده بودم، صدا زدند و به درون خودروی وزیر هدایت کردند.

روی صندلی پشت سر وزیر و در کنار مدیر کل دفتر وزارتی ایشان جناب آقای الماسی که بعد از صحبت مفصلی که با ایشان داشتم، او را شخص محترم و دلسوزی یافتم نشستم و پس از برقراری سکوت و کسب اجازه و

تشکر از مدیر کل آموزش و پرورش استان و شخص وزیر صحبت هایم را در مسیر حرکت تا اداره کل نوسازی مدارس استان و با عنایت به ضیق وقت به عرض ایشان رساندم که موضوع اصلی این گزارش است و در پی می آید:

### تاکید بر مطالبات پرتکرار در دیدار با وزیر

محمود صفدری حالا در قامت عضو منتخب شورای عالی آموزش و پرورش و عضو شورای مرکزی و مسئول سازمان معلمان خراسان شمالی به قول خودش در دیداری پرانرژی رودروی وزیر نشسته مطالباتی را که بارها فریاد شده است را تکرار کرده، او در گزارشی که برای سخن معلم فرستاده است موارد مطرح شده را اینگونه آورده است.

۱- خودم را با فلاشکی به دیدار ویدئو کنفرانسی مورخه ۱۴۰۰/۱۰/۴ معرفی کردم و ضمن خوشامدگویی به ایشان و گلایه از فرصتی که در جلسه عمومی داده نشد و تشکر از دیدار پرانرژی ای که در داخل خودرو فراهم شد، با تلاوت بخشی از آیه شریفه ۵۵ سوره مبارکه زاریات که میفرماید: "وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ" صحبت هایم را آغاز کردم.

۲- ضمن اشاره به وضعیت بد اقتصادی کشور نسبت به عدم همخوانی وضعیت درآمد و هزینه مردم به ویژه معلمان زحمتکش، به تبعیض شدید وضعیت دریافت حقوق معلمان و دیگر کارکنان دولت، به ویژه بازنشستگان عزیز، بعنوان یکی از ریشه های اصلی اعتراضات معلمان تاکید کردم و از ایشان خواستم در هیئت دولت صدای معلمان باشد و برای ترمیم حقوق معلمان تلاش کند.

۱- ایشان ضمن تشکر و تایید یادآوری جلسه زمستان گذشته خود را خادم و نوکر معلمان نامیدند و به آن افتخار کردند و تاکید کردند که در راستای تعهدی که با خود و خدای خود داشته در راستای استیفای حقوق معلمان لحظه ای غفلت نخواهند کردند.

۳- با اشاره به حادثه متروپل آبادان و اینکه، افکار عمومی نه خبر مرگ مالک آن را باور می کند و نه خبر بازداشت و زندان او را؛ به عمیق تر شدن شکاف بی اعتمادی بین ملت-دولت که جدی ترین بحران امروز جامعه ما و خطرناک ترین بیماری و بحران حاکمیت مستقر است، از ایشان و همه ی مسئولان و کاربدستان صراحتاً خواستم بطور جدی و عاجلانه نسبت به ترمیم این بی اعتمادی اولاً از طریق قطع کامل مصاحبه های نمایشی غیرضرور و وعده های غیرقابل تحقق و ثانیاً از

طریق کار و تلاش مضاعف برای تحقق قول ها و وعده های بر زمین مانده و جبران مافات، اقدام نمایند.

-ایشان هم این نقد را وارد دانست و از پیگیری طرحی در دولت مبنی بر محدود کردن اینگونه مصاحبه ها خبر داد.

۴- با اشاره به سابقه و رزومه ایشان در موسسه صندوق ذخیره فرهنگیان، مهمترین مطالبه به حق معلمان عضو، و احتمالاً موفق ترین برنامه ایشان را "صیانت جدی از حق مالکانه اعضا" بعنوان یک حق الناس و امانت مهم، با اشاره به تغییر دو مدیر عامل در همین مدت محدود -عزل آقای نیکدل و نصب آقای نوری و عزل ایشان پس از دوماه و نصب آقای نجف پور- این تغییرات را از سوی معلمان اقدامی غیرکارشناسی و حتی مشکوک قلمداد کردم و خطر سهل انگاری در حوزه صندوق ذخیره را به سان کبریتی در انبار باروت تعبیر کردم و با اشاره به تهیه پیش نویس طرحی مبنی بر "عمومی شدن موسسه" از طرف اقلیتی از نمایندگان مجلس، و تصویب اساسنامه توسط هیئت امنای قبلی در تابستان ۱۴۰۰ و ثبت آن در روزنامه رسمی، از ایشان خواستم مطابق اساسنامه قانونی تصویب شده، انتخابات هیئت امنای صندوق را برگزار کند.

-ایشان ضمن اشاره به دوران تصدی خودشان بر صندوق ذخیره و سودآوری صندوق در آن ایام، با اشاره به شاهد گرفتن آقای دکتر وحیدی، نماینده بجنورد و عضو کمیسیون آموزش، خود را حامی حق مالکانه اعضا نامیده و با اشاره به اقدامات صورت گرفته برای تسریع بورسی شدن برخی شرکت های حسابرسی شده، قول دادند که به زودی این چند شرکت عضو هولدینگ صندوق ذخیره، کارهایشان نهایی و با مجوز ویژه سازمان بورس به اعضا واگذار شود.

اما در مورد انتخابات هیئت امنای مطابق اساسنامه مصوب و قانونی سال گذشته سخنی نگفتند.

آقای دکتر وحیدی هم تلاشهای ایشان را در حوزه صیانت از حق مالکانه تایید کرد و هم ستود.

۵- در مورد پرداخت پاداش پایان خدمت بازنشستگان مهرماه ۱۴۰۰ و پس از آن که با توجه به وضعیت افسار گسیخته تورم و کاهش شدید و روز به روز ارزش پول ملی، دغدغه همه ی بازنشستگان سال گذشته است سوال کردم.

-ایشان گفتند موضوع به جد در دستور کار است و جلساتی با صندوق بازنشستگی کشوری برگزار شده و اسناد پرداخت پاداش تهیه شده و به زودی پرداخت ها آغاز خواهد شد.

۶- نسبت به برخوردهای امنیتی و بازداشت های گسترده معلمان در هفته معلم امسال گلایه کرده و از اظهار نظر ایشان مبنی بر اخراج معلمان معترض، انتقاد کردم و عرض کردم این موضعگیری باعث رنجش شدید معلمان در سطح کشور شده، خاصه آنکه بعد از واکنش های معلمان، هیچ پاسخ دلجویانه ای از سوی ایشان رسانه ای نشده است.

-ایشان اساس موضوع را یک سوء تعبیر یا شیطنت رسانه ای نامیدند که از سوی خبرگزاری تسنیم انجام گرفته و گفتند در سفر به سنندج من به صحبت های رئیس جمهور سابق که گفتند: "هر معلم یا کارمندی که وضعیت حقوق خود را قبول ندارد می تواند بگذارد و برود"

خطاب به فرهنگیان اشاره کردم و گفتم: "ما اگر نمی توانیم حقوق کافی به شما بدهیم، دیگر به اخراج تهدیدتان نمی کنیم".  
که متاسفانه به طرز نامناسبی بازتاب یافت.

۷- از ایشان بعنوان مسئول عائله مند ترین و البته نجیب ترین وزارتخانه دولت خواستم همانند وزیر دادگستری و رییس قوه قضاییه پشت نیروهای خود بایستد و ضمن انتقاد از بازداشت تعدادی از دلسوزترین و صادق ترین فعالان صنفی کشور در کردستان و فارس و تهران، و ردّ اتهام سنگین و نجسب جاسوسی به آنان، مداخله نموده و ان شاء الله موضوع را ختم به خیر گرداند.

-ایشان پاسخ دادند بنده سفری به استان کردستان داشته و با برخی مقامات آن استان دیدار داشته و پرونده در مرحله تحقیق و بررسی آنان را به دقت رصد می کنم و مطمئن باشید از دفاع از حقوق آنان - چنانچه موضوع ارتباط با عناصر بیگانه اثبات نگردد- فروگذار نمی کنیم و این پیگیری ها ادامه دارد.

۸- با اشاره به و گلایه از تعلل بیش از حد در فرایندهای تصویب و اجرای "قانون رتبه بندی معلمان" تاخیر بیش از این را امری خطرناک تلقی نموده و با اشاره به هزاران تن از همکاران فرهنگی که ۳۰ سال خدمتشان سرآمده و به امید برخورداری از مزایای رتبه بندی به خدمت خود در سال جاری استمرار داده و اینک با نزدیک شدن به پایان آن و عدم ابلاغ آیین نامه و پرداخت مزایای رتبه بندی به مرز ناامیدی و خشم نزدیک می شوند اشاره کردم و با مخاطب قرار دادن توامان شخص وزیر و دکتر وحیدی عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس که تاکنون زحمات زیادی در تصویب قانون رتبه بندی کشیده اند، از آنها خواستم خطر طولانی شدن اجرای رتبه بندی و ناامیدی و عصیانیت معلمان را از یکسو و بهانه تراشی های نهادهایی همچون سازمان مدیریت و برنامه ریزی و سازمان بازرسی و دیوان محاسبات را جدی گرفته و نسبت به

صیانت از ۳۸۵۰۰ میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته شده برای سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ تمام تلاش خود را به کار بستند تا پس از صدور احکام رتبه بندی، تنها شاهد صدور یک برگ کاغذ بعنوان حکم کارگزینی دیون، بدون پرداخت مبالغ ریالی آن نباشیم که اگر چنین اتفاقی بیفتد، یقیناً شاهد موج گسترده اعتراضات معلمانی خواهیم بود که به امید تحقق وعده ها و مصاحبه های دولتیان و مجلسیان، روی مبالغ ریالی آن حساب باز کرده اند!

هم آقای دکتر وحیدی و هم جناب وزیر، توامان و تاکیداً گفتند بودجه ۳۸۵۰۰ میلیاردی قطعی است و هیچ خطری اعم از دیوان محاسبات و سازمان برنامه و بودجه هم بنایی برای تهدید آن ندارد و این مبلغ بین شاغلین و بازنشستگانی که از ۱۴۰۰/۶/۳۱ به افتخار پیشکسوتی نائل شده اند، با توجه به رتبه ای که در آن قرار خواهند گرفت، تعلق خواهد گرفت و احکام بازنشستگان هم مطابق احکام جدید رتبه بندی از تاریخ فوق، اصلاح خواهد شد.

وزیر محترم هم تاکید کردند که آیین نامه در مدت قانونی یکماهه از ۲۳ اسفند ۱۴۰۰ تا ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ نهایی شده و به دبیرخانه هیئت دولت ارسال شده است و منتظر و پیگیر هستیم به زودی در دستور کار هیئت دولت قرار گیرد تا پس از تصویب ابلاغ شود.

گفت و گوی طولانی و امید بخش به مدیرکل دفتر وزارتی

صفدری که بالاخره سخنان خود را به گوش وزیر رسانده بود و نماینده بجنورد را هم به شهادت گرفته بود با ابراز خوشحالی از نتیجه بخش بودن اصرار و پافشاری خود در مسیر کنشگری مسئولانه و شجاعانه به بخش پایانی می پردازد و دیدار و گفت و گوی خود با آقای الماسی مدیرکل دفتر وزارتی را اینگونه روایت می کند: در پایان این سفر کوتاه بین شهری، از جناب وزیر و نمایندگان محترم مجلس خداحافظی نموده و با جناب دکتر الماسی مدیر کل محترم دفتر وزارتی آموزش و پرورش هم، گپ و گفتی یکساعته با هدف تکمیل مسائل مطروحه با وزیر داشتیم تا برخی ابهامات ایجاد شده برطرف گشته و روی اشتراکات بیشتری که می تواند باعث هماهنگی بیشتر صف و ستاد گردد، گفتگو کردیم.

آقای الماسی را فردی یافتیم که هم بر مسائل آموزش و پرورش احاطه دارد و هم از صداقت و حسن نیتی درخور سپاسگزاری برخوردار است.

امیدوارم با همفکری و هماهنگی بیشتر بین صف و ستاد در بزرگترین نهاد دولتی، شاهد بهبود اوضاع آموزش و پرورش در روزهای آینده

باشیم.

در پایان مجدداً از نیروهای امنیتی و مدیرکل آموزش و پرورش که اهمیت این سفر را درک کرده و علیرغم بدرفتاری و سوء مدیریت که در ابتدای جلسه با بنده شد، فرصتی برای بیان رودرروی مشکلات و خواسته های به حق معلمان فراهم کردند سپاسگزار می کنم و امیدوارم در سفرهای آینده، انتخاب مدعوین و سخنرانان به گونه ای باشد که انعکاس دهنده ی تمام دیدگاههای موجود در آموزش و پرورش، اعم از همسو و ناهمسو و حمایتی و انتقادی باشد.

#اختصاصی سخن معلم